

اگر جنگل نباشد



۱. جگل بهناور و زیباست. صدای آرام نسیم در همه جای جگل شنیده می شود. گاه نیز عُرش و روزه‌ی جانوران. سکوت جگل را می شکند.

۲. اگر روزی با هواپیما از بالای جگلی بگذری، فرشی سبز، زیبا و گسترده می بینی که گاه صدها کیلومتر از زمین را پوشانده است. در این جگل ها چه می گذرد؟ نمی دانیم. شاید پلنگی بر شاخه‌ی درختی، در کسین نشسته باشد. شاید میمون های بازیگوش، بر شاخه ها مشغول بازی باشند. شاید فیل ها و گرگدن ها مشغول آب تنی در رودخانه ای باشند که از جگل می گذرد. شاید هم در حاشیه جگل، خانواده های سرگرم تفریح و استراحت باشند.

۳. اگر جگل نبود؛ چه می شد؟ شاید بگویند معلوم است؛ دیگر میز و صندلی، تخت خواب و کمد، در و پنجره، کاغذ، خانه های جگلی، قایق و کشتی و هزاران وسیله ی چوبی دیگر نبود؛ اما این ها بخشی از فایده های جگل است. اگر جگل نباشد، اکسیژن مورد نیاز انسان فراهم نمی شود و مواد سستی هوا از بین نمی رود.

۴. اگر جگل نباشد؛ باران خاک را می شوید و از بین می برد. بادهای تندی که می وزند ممکن است همه چیز را



دوران کنند. اگر جگل نباشد، یکی از بهترین محل های استراحت و گردش از انسان گرفته می شود.

بعد ۵ باید جگل ها را حفظ کنیم و مراقب باشیم که درختان از بین نروند. اگر از جگل مواظبت نکنیم، شاید در آینده دیگر نتوانیم داستان هایی بخوانیم که چنین آغاز می شوند: یکی بود یکی نبود. غیر از خدا هیچ کس نبود. روزی روزگاری در یک جگل زیبا و دور... .

سپاوش شاهان

درست و نادرست

- 1 جنگل‌ها باعث از بین رفتن مواد سمی هوا می‌شوند. **درست**
- 2 تنها صدایی که در جنگل شنیده می‌شود، غرغش حیوانات است. **نادرست**

درک مطلب

- 1 منظور نویسنده از «فرش سبز» چیست؟ **منظور جنگل است.**
 - 2 تو برای حفظ جنگل‌ها چه می‌کنی؟ **در جنگل آتش روشن نمی‌کنم. اگر روشن کردم حتما آن**
 - 3 **اگر جنگل نباشد، با وزش بادهای تند چه اتفاقی می‌افتد؟ همه چیز ویران می‌شود.**
- واژه‌آموزی**

- به این جمله‌ها دقت کن.
- حادثه‌ی خطرناک، یعنی حادثه‌ای که خطر دارد.
 - خاک نمناک، یعنی خاکی که نم دارد.
 - آواز سوزناک، یعنی آوازی که سوز دارد.
- حالا تو بگو:
- نگاه **غمناک**, یعنی نگاهی که غم دارد.
 - زخم دردناک، یعنی **زخمی که درد دارد.**

صندلی صمیمیت

از آموزگارتان خواهش کنید بر روی صندلی صمیمیت بنشینند و درباره‌ی موضوعی برایتان صحبت کند. به صحبت‌های ایشان گوش کنید و در گروه، درباره‌ی آن داوری کنید.

به این جمله‌ها دقت کن و درباره‌ی آن‌ها با هم کلاسی‌هایت گفت‌وگو کن.

معلم را دید. محمد
 پدرش را دید. محمد
 حامد را دید. محمد

سیب‌ها را خوردند. بچه‌ها
 غذا را خوردند. بچه‌ها
 خوراکی‌هایشان را خوردند. بچه‌ها

حالا تو بگو:

میوه‌ها را شست. مریم
 لباس‌ها را شست. مریم
 دست‌هایش را شست. مریم



به بخش اول داستان گوش کن و ادامه‌ی آن را تو بگو.

حالا به بخش دوم داستان گوش کن و آن را با ادامه‌ی داستانی که خودت ساختهای، مقایسه کن.

بهاران

بخوان و حفظ کن



باز هم باد بهاری شادمان هر جا وزان شد
چشمه‌ای جوشان برآمد بردل صحرا روان شد
از بهار سبز و خرم مژده می‌آرد پرستو
شادمان پر می‌گشاید گاه این سو، گاه آن سو
می‌کشد دست نوازش شاپرک بر چهره‌ی گل
از سر شاخ درختان می‌رسد آوای بلبل

بیوک ملکی